

اقتصاددانان غیردولتی رییس‌جمهور را یاری‌کنند

میثاق خاتمی با ملت ایران در زمینه مسایل اقتصادی

- بدون اصلاح ساختار بیمار اقتصاد کشور، عدالت اجتماعی تأمین نخواهد شد
- اشتغال، فوری‌ترین و مهم‌ترین چالش اجتماعی و اقتصادی کشور ماست
- مدیریت بیمار کشور باید اصلاح شود، دولت را کوچک و اقتصاد را رقابتی می‌کنیم
- برای توزیع عادلانه درآمد در جامعه، سازوکارهایی مناسب تعبیه می‌کنیم
- تحول علمی و فن‌آوری را شرط پیشرفت و حتی بقایمان می‌دانیم

خیلی‌ها به نوعی رانت‌پردازی منجر می‌شد (لغو شود). ما این دستور را آغاز اجرای اصلاحات تلقی کردیم و به یک عضو دفتر اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری که تلفنی خبر آماده شدن متن را به سردبیری مجله اطلاع می‌داد، از این بابت تبریک گفتیم. اما با حیرت این جمله حسرت‌آلود را شنیدیم که: «البته اگر بگذارند-البته اگر گردن نهند» دوم- همان‌گونه که در سطور بالا ذکر کردیم، آنچه آقای خاتمی در این سخنرانی بیان کرده، اکنون

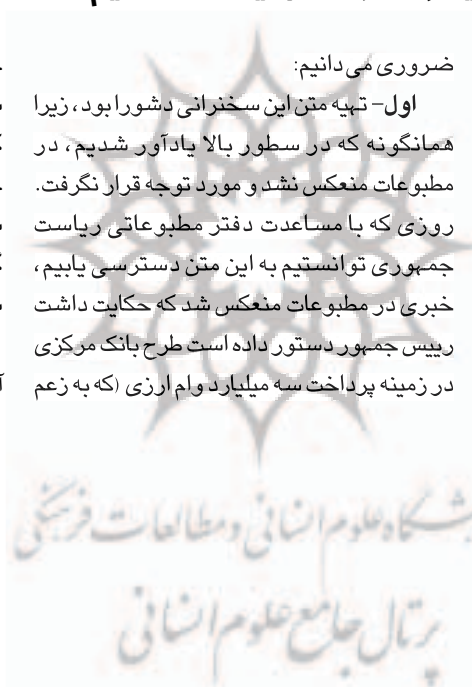
ضروری می‌دانیم:

اول- تهیه متن این سخنرانی دشوار بود، زیرا همانگونه که در سطور بالا یادآور شدیم، در مطبوعات منعکس نشد و مورد توجه قرار نگرفت. روزی که با مساعدت دفتر مطبوعاتی ریاست جمهوری توانستیم به این متن دسترسی یابیم، خبری در مطبوعات منعکس شد که حکایت داشت رییس‌جمهور دستور داده است طرح بانک مرکزی در زمینه پرداخت سه میلیارد وام ارزی (که به زعم

آقای سید محمد خاتمی در آخرین فرصت تبلیغاتی خود برای انتخابات هیجدهم خرداد یک سخنرانی تلویزیونی ایراد کرد که علی‌رغم اهمیت بسیار بالای برخی از مباحث مطرح شده و مواعید مستتر در آن، مورد توجه رسانه‌ها قرار نگرفت و حتی یک تحلیل کوتاه در مورد یک یا چند سرفصل از سرفصل‌های پراهمیت این سخنرانی ارایه نشد. این سخنرانی در واقع تعهداتی بود که آقای سید محمد خاتمی به ملت ایران می‌داد و خود را ملزم به اجرای آنها می‌کرد. این تعهدات دیگر فقط منحصر به مسایل سیاسی و فرهنگی- و کمی تا قسمتی اقتصادی! نبود، بلکه برعکس برنامه‌های تبلیغاتی آقای خاتمی در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، که محور مواعید و تعهدات ایشان بر اصلاحات سیاسی تمرکز داشت، در این سخنرانی ایشان محور اصلی برنامه‌های دور دوم ریاست جمهوری خویش را بر مسایل اقتصادی متمرکز کرده بود.

آن سخنرانی شامل یک مقدمه و یک متن بود. در مقدمه، آقای خاتمی عزم خویش را بر ادامه اصلاحات سیاسی و فرهنگی ابراز کرد. آن‌گاه بلافاصله تعهدات خویش برای سامان بخشیدن به اقتصاد نابسامان کشور را یک به یک برشمرد.

پیش از آن که این تعهدات را که اینک به دلیل انتخاب آقای خاتمی از سوی اکثریت قاطع رأی‌دهندگان، می‌توان آن را سند تعهدات ایشان در زمینه مسایل اقتصادی و یا میثاقی که با مردم بسته است، تلقی کرد، منعکس کنیم، ذکر چند نکته را



در حکم تعهدات ایشان نسبت به ملت ایران است و لذا جا دارد برای سندیت یافتن و امکان مراجعه به آن در یک رسانه مکتوب ثبت شود.

سوم- یک بخش از این تعهدات به موضوع مخالفت آقای خاتمی با جهانی شدن اقتصاد و عدم همراهی و هم پیمانی ایشان با کسانی مربوط است که معتقدند ایران باید به این

روند بپیوندد. چون به باور ما این موضع گیری محور اصلی چالش های سیاسی دولت آقای خاتمی در دور دوم ریاست جمهوری ایشان است، آن را از بقیه مواعید ایشان در زمینه اقتصادی جدا کردیم و تحلیل راجع به آن را موضوع گزارش اصلی این شماره قرار دادیم، که قطعاً آن را در صفحات پیشین ملاحظه فرموده اید.

چهارم- آقای خاتمی و آن گروه از همکاران اقتصادی ایشان که به برنامه های اقتصادی رییس قوه مجریه معتقدند، برای اجرای صحیح و موفقیت آمیز برنامه های خود نیاز به تجربه و تخصص اقتصاد دانان مستقل و صاحب اندیشه و تجربه دارند. این نیاز زمانی کاملاً ملموس می شود که به یاد آوریم وضعیت کنونی اقتصاد کشور حاصل برنامه ریزی و کار اقتصاد دانانی است که از دیرباز در مناصب اجرایی یا برنامه ریزی جا خوش کرده اند. بنابراین "گزارش" از عموم اقتصاد دانان و پژوهشگران مسایل اقتصادی دعوت می کند برنامه های اقتصادی رییس جمهور را مورد نقد قرار دهند، نکات منفی و مثبت این طرح را تحلیل کنند و برای خروج کشور، از بن بست توسعه نیافتگی و همچنین حل معضلات کنونی اقتصاد کشور راه حل ارائه دهند. مقالات و تحلیل های این عزیزان در صفحات "گزارش" منعکس خواهد شد.

اینک متن میثاق آقای سید محمد خاتمی با ملت ایران در زمینه مسایل اقتصادی:

اولین اصل، ساماندهی اقتصادی و اصلاح ساختار بیمار اقتصادی است که شروع شده است و باید با شدت و همه جانبه تر ادامه پیدا بکند و معتقدم بدون این اصلاح نه مابه رشد پایدار خواهیم رسید نه مسأله بیکاری را به طور اساسی حل خواهیم کرد و نه عدالت اجتماعی را تأمین خواهیم کرد.

اصل دوم، اصل اشتغال است با عنوان فوری ترین و مهم ترین چالش اجتماعی و اقتصادی ما با توجه به رشد جمعیت ما و جامعه جوان طالب کار ما. که فکر می کنم عزم ملی هم هست و البته اشتغال امری است مبتنی بر یک سلسله واقعیت ها که باید تحقق پیدا بکند تا این مشکل حل بشود مثل سرمایه گذاری و تولید، استفاده از امکانات داخلی و خارجی و فضای امن روانی برای سرمایه گذاری و تولید و نیز تأدیه مقرراتی که متناسب با این وضع باشد که گام هایی برداشته شده و گام های بزرگتری را باید برداشت.

اصل سوم، اصلاح ساختار مدیریت بیمار جامعه است. برای تقویت بخش خصوصی، کوچک کردن دولت، سوق دادن دولت به سوی اعمال حاکمیت و کم کردن تصدی او، رفع موانع تولید و رقابتی کردن اقتصاد در جامعه، وابسته دفاع از مدیران کارآمد و تلاشگر [است] که در کشور ما بسیار زیادند.

اصل چهارم، توجه به رشد اقتصادی جامعه توأم با تأمین عدالت اجتماعی در جامعه است چرا که بالضروره رشد اقتصادی در جامعه به معنی تأمین عدالت نیست، ممکن است تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه کشور افزایش پیدا بکند ولی در همان زمان فقر و فاصله های طبقاتی هم در جامعه زیادتر بشود، در عین حالی که باید جامعه به لحاظ اقتصادی و درآمدها رشد پیدا بکند، باید ساز و کارهایی برای توزیع عادلانه درآمد در جامعه نیز تعبیه بشود.

اصل پنجم، تحول علمی در جامعه است. ما باید

به سرعت تلاش بکنیم تا عقب افتادگی خودمان را از دنیای علم و فن آوری جبران بکنیم و با شتاب لازم، همگام با پیشرفت های جهان امروز پیش برویم. تحول علمی شرط پیشرفت ما و حتی شرط بقای ماست.

اصل ششم، تحول فن آوری اطلاعات و گسترش و تأمین اطلاعات در جامعه است که خودش یکی از پایه های عدالت است. توزیع عادلانه اطلاعات در جامعه و دسترسی داشتن همه بخش ها به اطلاعات صحیح، شرط پیشرفت و توسعه همه جانبه و پایدار است.

اصل هفتم، اهتمام جدی به توسعه سیاسی، دفاع از آزادی اندیشه و بیان و نهادینه کردن نهادهای مدنی شناسنامه دار در چارچوب قانون اساسی در جامعه ما البته توأم با قانون گرایی به عنوان مدار و محور نظم و اعتدال در جامعه [است].

اصل هشتم، توسعه فرهنگی با اهتمام به اخلاق که آنرا روح دیانت و روح حقیقت اسلام می داند و دریغ که در جامعه ما گاه به نام اسلام و ارزش ها حتی ابتدایی ترین موازین اخلاقی نیز زیر پا گذاشته می شود.

اصل نهم، ایجاد و بسط فرهنگ عمومی متناسب با توسعه پایدار و همه جانبه و در همه حال، عزم جدی برای مبارزه همه جانبه و اساسی با فقر، فساد، تبعیض و تلاش برای تأمین و گسترش عدالت و داد در همه عرصه های زندگی این جامعه [است].

این مطالب به تفصیل بیان شده است و کسانی که نیاز بیشتری می بینند به جزوه های مزبور می توانند رجوع بکنند. مهم این است که ما خواست تاریخی این ملت را بشناسیم و بدانیم که او شایسته رسیدن به مراحل بالاتر و بیشتر هم هست و شایسته رأی مردم کسی است که این خواست را بشناسد و برای تحقق آن تلاش می کند.